

کوتاه کردن دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی



بابک نیک‌طلب، شاعر سرشناس حوزه کودک و نوجوان، مانند همه نویسندگان، شاعران و معلمان‌ی که دغدغه فرهنگ و مطالعه دارند، معتقد است تنگ شدن عرصه بر کتاب‌های کمک‌درسی، میدان را برای کتاب‌های داستانی و ادبی و دانش‌افزایی می‌گشاید. او در این یادداشت به هزینه‌های هنگفت کتاب‌های کمک‌درسی و کلاس‌های کمکی انگشت می‌گذارد و آرزو دارد محدودیت کتاب‌های کمک‌درسی، دوباره نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه و شعرهای حافظ و سعدی و مولوی را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره جاری سازد. این یادداشت را بخوانید.

و علم‌آموزی بیش از پیش شد و آهسته آهسته ناشران هم به سمت کتاب‌های غیر داستان و شعر تمایل پیدا کردند. حتی ناشران تخصصی ادبیات و هنر هم کتاب کمک‌درسی را بهتر فروختند و از شاعر و نویسنده و هنرمند و مهندس و پزشک و... تقاضای نوشتن کتاب‌های کمک‌درسی کردند. کار به جایی رسید که سبد خانواده از کتاب پر شد؛ اما از کتاب‌های کمک‌درسی و نه از مجموعه شعر و قصه و متون کهن ادبی، اجتماعی، فرهنگی که هزار سال در تاقچه و کتابخانه منازل جاداشت.

پدر و مادر و خانواده‌ها هم تحت فرمان فرزندان و اولیای آموزشی مدارس، هزینه این کتاب‌ها را به جان خریدند. شگفت آنکه خود من نیز به عنوان یک شاعر و نویسنده و اهل کتاب، سه یا چهار سال گذشته، اگر کل مبلغ کتاب درسی فرزندم ۳۰ هزار تومان می‌شد، ۲۰۰ هزار تومان برای کتاب‌های کمک‌درسی همراه، تقدیم آموزشگاه دولتی کردم. پس از آن هم چشمم به جمال کتاب‌های پیش‌دانشگاه و کنکور و پساکنکور روشن شد و هم‌چنان در پی این قافله لنگ لنگان دوانم.

اما شنیده‌ها و دیده‌ها حاکی است که به فضل الهی، گویا متولیان آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۷ عزم جزم کرده‌اند که دست سوداگران کتاب‌های کمک‌درسی را چه از بالاترین رسانه‌ها و چه از کف کوچک‌ترین کلاس‌های مدرسه کوتاه کنند. که اگر چنین شود، می‌توان نسیم نوازشرگر نشر گلستان سعدی و تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه را در هوای اتاق‌های کوچک کودکان دوباره حس کرد و طنین غزل مولانا و حافظ و دیگر شاعران را دوباره شنید.

شاید جای مجموعه‌های تست و ضمیمه فلان کتاب درسی در قفسه‌ها با فرهنگ‌نامه‌های پرمحتوا و اصیل عوض شود و باز کتاب‌خانه خانگی برای همه اعضای خانه قابل بهره‌گیری و منشأ فیض باشد.

یادم هست تازه دوره دبستان را به پایان برده بودم و تازه خودم به مغازه لوازم تحریری محله سر می‌زدم تا مدادی و تراشی، علاوه بر آنچه پدر و مادرم می‌گرفتند، خریداری کنم.

دوستانم می‌گفتند نباید حل‌المسائل ریاضی یا انگلیسی یا... داشته باشیم که اگر مدرسه بفهمد تنبیه می‌کند. مفهوم مدرسه و تنبیه کم و بیش روشن بود، اما حل‌المسائل را همگان نداشتند و شکر خدا نیازی هم حس نمی‌شد. پس انگیزه‌ای هم برای داشتنش نبود. اوقات فراغت هم با خواندن کتاب قصه یا شعر یا امانتی از کتابخانه مدرسه یا هدیه عزیز پر می‌شد.

سال‌ها گذشت و دبیرستان را با اتفاق‌های دهه شصت طی کردم و به سدی به نام کنکور رسیدم. به اصرار و همراه دوستی که می‌خواست حسابداری بخواند، در کلاسی بیرون از مدرسه، برای اولین و آخرین بار نام نوشتم و دیدم چیز دیگری هست که هر پرسشش، چهار پاسخ دارد و...

من راه خود را پیش گرفتم و دست تقدیر مرا به مدرسه آورد و دبیر شدم و چرخ گردون گشت و گشت و گشت. کشتی هدایت آموزش و پرورش در مسیر گاه آرام و گاه طوفانی، سکانداران مختلفی را به خود دید؛ تا جایی که کتاب‌های درسی خوش‌بختانه کم‌حجم و به‌روزتر شدند.

بچه‌ها دیگر دانش و دریافته‌شان محدود به درس و مدرسه نماند و فرصت‌های بهتری برای فراگیری یافتند. در عوض گستره مطالعاتشان افزوده شد و کتاب‌های ناشران و کلاس‌های خارج از مدرسه هم برایشان دست یافتنی و دلخواه و گاهی واجب شد. مؤسسه‌هایی هم برای همه گروه‌های علاقه‌مند به هوش بیشتر و علم برتر به عنوان‌های گوناگون و با دل‌سوزی نهادهای مختلف به وجود آمد. همگان هم خشنود از فضای خوب رقابت به استقبال از وضع موجود پرداختند. کم‌کم رغبت خانواده‌ها به دانش‌افزایی